

# عروسی که به کلاهبرداری رسید

17 آبان 1404

**زن جوان که خودش قربانی تبلیغات اینستاگرامی شده بود، این بار با ترفند آموزش کسب و کار به بلاگرهای معروف، سناریوی کلاهبرداری‌هایش را طراحی کرد.**

به گزارش مادران و دختران به نقل از «ایران»، چندی قبل پرونده‌ای به شعبه یکم دادسرای محلاتی ارجاع شد. شاکی زن جوانی بود که به بازپرس محمدتقی شعبانی گفت: «مدتی بود که به فکر کسب و کار اینترنتی افتاده بودم و صفحه‌ای نیز در اینستاگرام باز کردم اما مشتری‌هایم کم بود تا اینکه در فضای مجازی با آگهی آموزش حرفه‌ای ادمین زن جوانی به نام فرنوش مواجه شدم. یکبار با او در کافی شاپ قرار گذاشتم که به من گفت باید آموزش‌های لازم در رابطه با ادمین شدن را یاد بگیری و حتی می‌توانم برایت دنبال کننده در تلگرام و اینستاگرام فراهم کنم تا بلاگری حرفه‌ای شوی و در مقابل 200 میلیون تومان از من خواست.»

او ادامه داد: «با هر سختی بود، پول را فراهم کردم اما گفت پول را به حساب زنی دیگر بریزم که از اقوامش است؛ من هم پول را واریز کردم اما دیگر تلفن فرنوش خاموش و ناپدید شد.» در حالی که تحقیقات به دستور بازپرس شعبه اول دادسرای ناحیه 14 برای یافتن زن کلاهبردار ادامه داشت، کارآگاهان با شکایت‌های مشابه مواجه شده و دو زن دیگر نیز به همین شیوه و شگرد از زنی به نام فرنوش شکایت کردند.

در ادامه تحقیقات کارآگاهان دریافتند که پول‌ها به حسابی واریز شده که متعلق به معتادان و کارتن‌خواب‌هاست. در ادامه با پیگیری تحقیقات سرانجام فرنوش دستگیر شد. با اعتراف زن جوان، تحقیقات برای شناسایی سایر مالباختگان احتمالی او به دستور بازپرس شعبانی ادامه دارد.

**خودم قربانی کلاهبرداری بودم**

**مشاوره تلفنی**

مرکز تخصصی

مشاوره ازدواج و تحکیم خانواده

**حال خوب**

شماره: ۵۹۱۱ | سال تأسیس: ۱۴۰۳

**دکتر رویا درویش پیشه**

**۰۹۱۰۲۹۰۴۷۵۸**

**ازدواج و زوج درمانی**

تازه عروس است اما در کمتر از یک سال همسرش ورشکسته شده و او هم برای رها شدن از دست بدهکاران به کلاهبرداری روی آورده است.

**چطور شد که این ایده برای کلاهبرداری به ذهنت رسید؟**

یک نفر با همین شیوه کلاههم را برداشت و دستم هم به جایی نرسید که پولهایم برگردد، به همین دلیل تصمیم گرفتم از همین راه پول به دست بیاورم.

**بیشتر توضیح می‌دهی؟**

شوهرم وضع مالی خوبی داشت؛ مجلس عروسی‌ام زبانزد خاص و عام شده بود اما شریک همسرم کلاه سرش گذاشت و او را کلی بدهکار کرد. طلبکارها لحظه‌ای رهایمان نمی‌کردند. آخر شوهرم نقشه کشید و گفت طوری وانمود کن که من فوت شده‌ام شاید دست از سرمان بردارند. بعد هم شبانه خانه را ترک کرد و مخفیانه به یکی از شهرستان‌ها رفت. اما من ماندم با کلی بدهی. کسی را هم نداشتم که از نظر مالی مرا در این حد حمایت کند. به همین دلیل تصمیم گرفتم کسب و کار اینترنتی راه‌اندازی کنم تا هم خودم درآمدی به دست بیاورم و هم اینکه بتوانم مقداری از بدهی‌های همسرم را بدهم.

**کسب و کارت رونق گرفت؟**

نه، یک زن با این ترفند که کاری می‌کنم صفحه اینستاگرام‌ات بالا بیاید و کلی دنبال کننده داشته باشی، از من 200 میلیون گرفت. پولی که از دوستان و آشنایانی که دل‌شان برایم می‌سوخت، قرض گرفته بودم. اما آن زن پول‌ها را گرفت و فرار کرد.

**سیم‌کارت و شماره کارت بانکی را از کجا آوردی؟**

در فیلم‌ها دیده بودم که افراد سیم‌کارت و کارت بانکی از معتادان و نیازمندان خریداری می‌کنند تا هویت‌شان برملا نشود. من هم همین کار را کردم و بعد هم به بهانه آموزش بلاگری و ادمن، دختران و

زنان جوان را فریب می‌دادم و از هر کدام نفری 200 میلیون تومان می‌گرفتم.